

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





جواد محدثی



ارمغان اربعين

مؤلف: جواد محدثی

ناشر: انتشارات جامعة الزهراء ع.ا.ز.

نوبت و سال چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: آبنوس

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

مركز نشر جامعة الزهراء ع.ا.ز.

دفتر انتشارات: +۹۸ ۲۵-۳۲۱۱۲۵۴۴

فروشگاه کتاب: +۹۸ ۲۵-۳۲۱۱۲۲۳۶

دورنگار: +۹۸ ۲۵-۳۲۹۲۵۱۱۱

وبگاه: Eshop.jz.ac.ir

رایانامه: Pub.alzahra@gmail.com

تمام حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

سخن نخست

«السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ.»

به خورشید وجود پاکان که می‌نگری، جانت از گرمای عشق و ایمان لبریز می‌گردد و دلت به نور هدایت روشنی می‌یابد؛ به سیمای ماه‌گون بندگان مقرب حق که نظر می‌افکنی، از هرچه زشتی و پلیدی است فاصله می‌گیری و آنگاه که به نور آسمانی اختران آسمان عصمت و طهارت طَهَارَاتٍ چشم می‌دوزی، از زمین و زمینیان دور می‌شوی و پرندهٔ قلبت مشتاق پرواز در حریم کلام و مرامشان می‌گردد و آن لحظه که پرندهٔ دل را روانهٔ حرم بهشتی‌شان می‌سازی و روح آهنگ زیارت آستان ملکوتی‌شان می‌نماید، از خودت رها می‌شوی و حال و هوای خدایی پیدا می‌کنی.

آری، زیارت، زیباترین آرزویی است که مایهٔ آرام دل زائران دلسوخته و دل‌انگیزترین جلوهٔ دلدادگی به معبود ازلی است. خوشا دل‌های صادق و جان‌های عاشق که در حریم قدسیان دخیل نیاز می‌بندند و ناز معشوق را به هر قیمتی خریدارند. یکی از زیباترین مفاهیم دینی که فضای قلب و اندیشهٔ بشری را از آرایش مادیت می‌زداید و نسیم خوش‌آزادگی را به مشام جان می‌رساند، زیارت است؛ زیارت، یعنی دورشدن از هرچه غیر یار است؛ زیارت، یعنی یاری جستن از سرچشمه‌های توانایی و دانایی، و جلوه‌های رحمت و کرامت؛ زیارت، یعنی

از یاد بردن وسوسه‌های شیطان و یادآوری الطاف و عنایات رحمان؛ زیارت، یعنی مرهم محبت و سکینت‌نهادن بر زخم‌های دردناک مادیت؛ زیارت، ز یار خواستن است و تنها به او امیدداشتن؛ ریسمانی است مستحکم، برای رهایی از چاه تاریک دنیا و نیل به جهان بیکران معنا؛ راهی است روشن برای وصول به سرچشمه‌های معرفت، و وصال به حق و حقیقت؛ نشانه‌ای است از آثار ایمان و معنویت و یادبودی است از فضیلت و انسانیت.

در این میان، زیارت اربعین حسینی در روز بیستم ماه صفر هجری قمری، از جمله زیارت‌هایی است که نقشی بی‌بدیل و ماندگار بر جان زائران می‌زند و رنگ سرخ مرام حسینی را بر لوح وجود مشتاقان حق ترسیم می‌کند و بزرگ‌ترین حماسه تاریخ اسلام را فریاد می‌نماید تا حق جویان عالم، همواره طریق آزادگی بپیمایند و در برابر ظلم فاسدان و ظلمت فاسقان، رایت نورافرازند و دین راستین محمدی را از هر انحرافی مصون نگاه دارند و آیین اصلاح و تربیت را برای تشنگان هدایت، بازگویند.

بدیهی است، این زیارت بزرگ، برکات فردی و اجتماعی عدیده‌ای دارد که هریک در مجالی مستقل، شایسته بحث و بررسی است؛ اما آنچه در این اثر، از منظر خوانندگان عزیز می‌گذرد، نگرشی است نو به زیارت مقدسه اربعین که سال‌هاست بر زبان عاشقان حسین علیه السلام جاری است و آوای هدایت را در گوش جان دلدادگان و پیروان اهل بیت علیهم السلام زمزمه می‌کند.

در این نوشتار، نویسنده فاضل و محقق ارجمند، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای جواد محدثی، مباحث و مطالب ارزنده‌ای را در باب استحباب زیارت اربعین، حرکت

شگفت و عزت‌آفرین پیاده‌روی اربعین، اربعین و انقلاب اسلامی، ارائه نموده و در پایان نیز به بیان نکاتی چند دربارهٔ ادب و آداب زیارت اربعین پرداخته است.

امیدواریم این اثر، مورد استفادهٔ پژوهشگران، مبلغان، طلاب و سایر علاقه‌مندان عزیز قرار گیرد.

در آخر، از زحمات همهٔ کسانی که در آماده‌سازی و به‌ثمر رسیدن این کتاب نقش داشتند، به‌ویژه تلاش‌ها و مساعدت‌های مدیر محترم جامعهٔ الزهراء علیها السلام و معاون محترم پژوهشی، تقدیر و تشکر می‌نماییم.

انتشارات جامعهٔ الزهراء علیها السلام

فهرست

۱۱	با شما...
۱۳	از عاشورا تا اربعین
۱۷	اربعینیات
۱۷	استحباب اربعین
۱۷	دیدار در اربعین
۱۸	محتوای زیارت اربعین
۱۸	سیرهٔ سید محسن امین <small>علیه السلام</small>
۱۹	زیارت میلیونی
۱۹	بزرگداشت عاشورا و اربعین
۱۹	زیارت جابر
۲۰	الحاق سر مطهر
۲۰	چهل راهب شهید
۲۱	سنت اربعینی
۲۱	کیفیت زیارت جابر
۲۲	یک اربعین گریهٔ آسمان
۲۳	چهل روز گریهٔ آدم <small>علیه السلام</small>
۲۳	چله نشینی
۲۴	اربعین و انقلاب
۲۵	مضامین زیارت اربعین
۲۶	۱. ترسیم سیمای امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۶	۲. ویژگی‌های امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۷	۳. فلسفهٔ قیام عاشورا
۲۷	۴. شناخت چهرهٔ مخالفان

- ۲۸ . ۵. جهاد تا شهادت
- ۲۹ . ۶. لعن و تبری از دشمنان
- ۲۹ . ۷. پیوند امام با خط رسالت
- ۲۹ . ۸. حیات سعادت‌مندان
- ۳۰ . ۹. بیزاری از همفکران اهل ظلم
- ۳۱ . ۱۰. باز هم تأکید بر دودمان پاک
- ۳۱ . ۱۱. جایگاه والای امامت و ائمه علیهم‌السلام
- ۳۲ . ۱۲. ایمان، تسلیم، تبعیت
- ۳۳ . ۱۳. اعلام مواضع
- ۳۳ . ۱۴. درود پایانی
- ۳۴ . نتیجه‌گیری
- ۳۵ . ادب و آداب زیارت
- ۳۵ . ادب ظاهری و باطنی
- ۳۹ . ۱. غسل زیارت
- ۴۲ . ۲. لباس تمیز و آراستگی و خوشبویی
- ۴۳ . ۳. وقار و طمأنینه
- ۴۴ . ۴. خضوع و خشوع
- ۴۶ . ۵. ذکر و تکبیر و تسبیح
- ۴۷ . ۶. اذن دخول
- ۴۸ . ۷. عتبه بوسی
- ۴۹ . ۸. حضور در کنار قبر و بوسیدن ضریح
- ۵۱ . ۹. ادب نسبت به قبر مطهر
- ۵۳ . ۱۰. پرهیز از حرف‌های بیهوده و کارهای لغو
- ۵۴ . ۱۱. خواندن زیارت مأثور
- ۵۵ . ۱۲. دعا و تلاوت و عبادت
- ۵۸ . ۱۳. تکریم خادمان و کمک به فقیران
- ۶۰ . ۱۴. زیارت وداع و خداحافظی
- ۶۳ . اربعین، خط خون (شعر)

با شما...

حماسه‌ای که در نیم‌روز، در دشت کربلا شکل گرفت و جان‌های پاک و عزیزی فدای راه حق و احیای اسلام گشت، زمان را درنوردید و پیام حقیقت‌خواهی و ظلم‌ستیزی را به همه بشریت رسانید.

امروز، کیست که حسین علیه السلام را نشناسد و نام بلندآوازه او را نشنیده باشد؟

شمیم یاد عاشورا و کربلا و نام اباعبدالله علیه السلام، جان‌ها را صفا می‌بخشد و به زندگی‌ها شور و معنی می‌دهد. چه زیبا سروده‌اند که:

پیچیده شمیمت همه جا، ای تن بی‌سر

چون شیشه عطری که درش گم شده باشد

گرامیداشت یاد امام حسین علیه السلام و اربعین شهادتش،

آبرو بخش شیعه و وحدت‌بخش مسلمین است و به راستی که

«حُبُّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا». در سالروز اربعین سیدالشهدا علیه السلام، که

تب و تاب زیارت اربعین و حرکت شگفت و عزت‌آفرین پیاده‌روی

اربعین، همه دلدادگان آن حضرت را به وجد آورده و میلیون‌ها

عاشق را با پای دل به کربلا رسانده است، ما هم با سالار شهیدان

و اهل بیت او و شهدای کربلا و پیام‌رسان نهضت حسینی زینب

کبری علیه السلام پیمان می‌بندیم که پاسدار اهداف الهی آنان باشیم.

این مختصر که تقدیم شما می‌شود، ذره‌ای ناچیز از

معارف عاشورایی و اربعینی را بیان می‌کند، تا از دستاورها و

سازندگی‌های زیارت و اربعین و عاشورا غافل نشویم و چراغ معرفت حسینی و شور عاشورایی را همواره در دل‌هایمان روشن نگه داریم و با «زیارت اربعین» دیداری دوباره داشته باشیم.

سلام بر حسین علیه السلام و عاشقانش؛

درود بر کربلا و درس‌هایش و بر اربعین و موج جهانی و

بیداری‌آفرینش.

جواد محدثی

مهر ۱۳۹۸

از عاشورا تا اربعین

باز هم اربعین است و تکرار درس‌های عاشورا!...

ای عزیز مصطفی، ای پسر فاطمه زهرا، ای شهید کربلا، ای
خون خدا!

باز هم پرچم عزای تو را در اربعین افراشته‌ایم و در سوگ
تو سیه پوشیم.

این پرچم عزا و لباس مشکی، ما را به یاد کربلا و عاشورا
می‌اندازد، به یاد حماسه و شهادت، به یاد عدالت و شجاعت،
به یاد خدا و رسول، به یاد مدینه و کوفه و کربلا، به یاد نماز و
نیایش و اشک و سجاده و قرآن و جهاد و امر به معروف و نهی
از منکر و تَوَلّی و تَبَرّی.

مکتب عاشورا برای تشنگان حقیقت، سیراب‌کنندهٔ جان
است و الهام‌بخش ایمان.

ای حسین مظلوم!

هنوز هم در جان ما، علقمهٔ عطش جاری است و ما تشنهٔ
فرا تیم.

دل‌های ما یک «حسینیّه» پر شور است و خانه‌هایمان «تل
زینیّه». در حسینیّهٔ دل‌هایمان، مرغ‌های محبت سینه‌می‌زنند
و اشک‌های یتیم، در خرابهٔ چشمان بی‌قراری می‌کنند.
سینه‌های ما تکیه‌ای قدیمی است که با کتیبه‌های اشعار
محتشم سیه‌پوش است. درب آن با کلید «یا حسین» باز می‌شود

و زمین آن با اشک و مژگان چشم، آب و جارو می شود. مادل های خود را وقف تو کرده ایم، یا حسین! تو خودت این وقفنامه را امضا کرده ای. برای این ادعا، خیلی سند و شاهد داریم:

این که شوق کربلا در دل و شور شهادت در سر داریم، این که هیچ روزی بی یاد تو بر ما نمی گذرد و هیچ مجلس و محفلی بدون سلام بر تو شکل نمی گیرد و هیچ امر به معروف و نهی از منکر جز با الهام از قیام تو انجام نمی یابد، این که تربت تو زینت سجاده های ماست، این که اشک عزای تو، شست و شو دهنده چشم و چهره گنه کار ماست، این که از روزهای نخست محرم تا اربعین و پایان صفر برای تو عزاداری می کنیم، این که انقلاب اسلامی ما «حسینی» بود و در سال های دفاع مقدس به عشق تو و کربلایت در جبهه ها حاضر می شدیم و شهید و جانباز می دادیم و فدا می شدیم، گوشه ای از این اسناد و مدارک است.

ما در پاسخ به ندای «هل من ناصر» تو به عرصه های خون و شهادت می شتافتیم.

درسی که ز عاشورا آموخته ایم این بود

قربانی راه دین، فرزند و پدر کردیم

ما هر چه داریم از کربلا و عاشورا و اربعین و مجالس حسینی است. ما نمک پرورده سفره تو هستیم، ای حسین! ما مثل جابر و عطیه، اربعین تو را ارج می نهیم و اگر بتوانیم به زیارت تو می آییم. عشق به کربلا و زیارت، یک دم از زبانمان نمی افتد. صبح ها وقتی سفره دعا و عزا گشوده می شود، دل روحمان گرسنه و تشنه عشق می شود. ابتدا چند مشت «آب بیداری» به صورت جان می زنیم، تا خواب غفلت را بشکنیم.

زیارت‌نامه را که می‌بینیم، چشمان آب می‌افتد. «السلام علیک» را که می‌شنویم، بوی خوش کربلا به مشامان می‌رسد. بغض عاشورا گلویمان را می‌گیرد، هوای دلمان ابری می‌شود و آسمان دیدگانمان بارانی! باران اشک، ما را تا دریای کرامت تو پیش می‌برد.

«تا که نامت می‌بریم از دیده آب آید برون!» ما هر روز، جرعه جرعه «زیارت عاشورا» می‌نوشیم و سر سفرهٔ توسل، «ولایت» را لقمه لقمه در دهان کودکانمان می‌گذاریم.

غذای روح ما از عطای توست، یا ابا عبدالله!

الحمد لله، که در این خشکسالی دل و قحطی عشق، نم نم باران اشک، غنیمتی است که رواق چشمان ما را آینه‌کاری می‌کند. از خدا می‌خواهیم که ما را به چشمهٔ کربلا و نهر علقمه تشنه‌تر سازد. امروزه، بر سر درِ دل‌های ما پرچمی نصب شده که بر آن نوشته است: «السلام علیک یا ابا عبدالله». ما به این پرچم عشق می‌ورزیم و زیر این علم بلند عاشورایی سینه می‌زنیم و ترویج خوبی‌ها و مبارزه با مفسد را برای خود یک «وظیفه» می‌دانیم.

به شفاعت تو هم بسیار دل بسته و امیدواریم. ما با تو و اهل بیت تو «همدلی» می‌کنیم. به این امید که این همدلی ما را به همراهی «هم بکشد و هم در دنیا و هم در آخرت با شما باشیم. دوست داریم با چشمی که بر تو گریسته ایم، گناه نکنیم. از خانه‌ای که صدای «یا حسین» از آن بلند شده، صدای حرام بیرون نیاید.

دلی را که جای محبت توست، به بیگانه از تو نسپاریم. علاقه و عشق تو را با هیچ عشقی عوض نکنیم و با کودکان

قافله عاشورا که در محاصره دشمن و در اضطراب و بی‌قراری و در سفر کوفه و شام بودند، همدردی کنیم.

دوست داریم مثل تو، همیشه و همه جا و در همه حال، اهل نماز و قرآن و خداجویی و کسب رضای پروردگار باشیم. آخرت را از یاد نبریم، از گناه و منکرات که راه جهنم را برای ما باز می‌کند، دوری کنیم، تا لیاقت برخورداری از شفاعت تو را داشته باشیم.

امروزه، خداشناسی و دینداری و عزت ما مدیون توست. تو با قیام خود، غیرت و شجاعت و امر به معروف و نهی از منکر را زنده کردی، تو خودت یک معروف مجسم بودی و حاکمیت یزید و سلطه فاسدان بارزترین نمونه «منکر سیاسی» بود. خط تو خط مبارزه با کفر و ظلم و فساد بود.

هر چند آن روز در کربلا، جسم تو بر زمین افتاد و پیکر مطهرت لگدکوب شمشیر اسبان شد، ولی فکر انقلابی و نهضت اسلامی و حرکت منکرستیز و ستم‌سوز تو زمین و زمان را فرا گرفت و امروز، لبنان، فلسطین، غزه مظلوم و یمن مقاوم، از عاشورای تو درس و الهام می‌گیرد.

ما نخواهیم گذاشت عاشورا و اربعین تو از شور بیفتد و فراموش شود و هدف خدایی تو بر زمین بماند.

آنان که می‌خواهند تو را از ما بگیرند و ما را با اشک و عزا و نوحه و کربلا بیگانه سازند، بیهوده می‌کوشند. جاودانگی تو را خدا تضمین کرده است.

ما که تو را از یاد نمی‌بریم....

به حق مادرت زهرا علیها السلام تو هم ما را از یاد مبر.

اربعینیات

استحباب اربعین

علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ می نویسد:

در اخبار، علت استحباب زیارت اربعین بیان نشده است؛ اما قول مشهور در بین اصحاب علم این است که علت این استحباب، بازگشت اهل بیت حسین علیہ السلام در آن روز (بیستم صفر) به کربلا در زمان برگشتشان از شام، و هم‌چنین ملحق کردن سرهای شهدا به اجساد مطهرشان به دست علی بن الحسین علیہ السلام است... شاید هم علت استحباب زیارت در این روز، آن باشد که جابر بن عبدالله انصاری در چنین روزی از مدینه به کربلا آمده و به زیارت قبر شریف آن حضرت نائل شد. از این رو مستحب است به او تأسی کرد.^۱

دیدار در اربعین

به نقل سید بن طاووس رحمۃ اللہ علیہ:

چون اهل بیت حسین علیہ السلام از شام به عراق رسیدند، به راهنمای کاروان گفتند: ما را از کربلا عبور دهید. هنگامی که اهل بیت به قتلگاه رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی‌هاشم و مردان خاندان رسول خدا را ملاقات کردند که برای زیارت قبر حسین آمده بودند. همه شروع

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴.

به گریه و ناله کردند و بر صورت‌های‌شان می‌زدند و به گونه‌ای عزاداری و نوحه‌سرایی می‌کردند که جگرها را آتش می‌زد. زنان منطقهٔ عراق نیز نزد اهل بیت آمدند و آنان نیز چند روزی عزاداری کردند.^۱

محتوای زیارت اربعین

زیارت اربعین، حاوی نکات ارزنده‌ای است که با ذکر سلام‌ها آغاز می‌شود و با شهادت به مجد و عظمت امام حسین علیه السلام ادامه می‌یابد. دعوت امام و روشنگری‌های حضرت با بیان و بنان، دلایل امتناع از بیعت با یزید، نصیحت و خیرخواهی او، تلاش حضرت در صحنه‌های عاشورا و تحمل ناملایمات، همت‌گماردن بر رهایی بندگان از جهالت و... فرازهایی از این زیارت شریف است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است. واقعهٔ عاشورا نتیجه جهالت مسلمین آن زمان بود؛ جهالتی که به معنای نادانی نیست؛ زیرا آنان حسین علیه السلام و هدف او را می‌شناختند؛ بلکه جهل آنان از جنس نابخردی و عدم تعقل است.^۲

سیرهٔ سید محسن امین علیه السلام

مرحوم سید محسن امین عاملی نقل می‌کند:

در طول ۱۰ سال و نیم که در نجف بودم، زیارت‌های مخصوصهٔ عاشورا و عیدین و عرفه و اربعین از من فوت نشد، مگر اندکی. قبل از سفر، پیش طلبکاران در بازار می‌رفتم و حلیت می‌طلبیدم و علاقه داشتم به پیاده زیارت کردن. گرچه ابتدا دشوار می‌پنداشتم، ولی در اثر تجربه، دریافتم که آسان است. جماعتی هم از اهل «جبل

۱. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۲۵.

۲. ره‌توشهٔ راهبان نور، ۱۳۸۰ ش.

عامل» و نجف و دیگران به دنبال من می‌آمدند و پیروی می‌کردند. چندین بار پیاده به زیارت کربلا رفتم.^۱

زیارت میلیونی

در ایام اربعین در عراق، میلیون‌ها نفر، با مواكب حسینی برای زیارت قبر مطهر علیه السلام وارد کربلا می‌شوند و اجتماع عظیم محبت‌آمیز، مشتمل بر تعارفات مهرانگیز و اتحاد‌آور و مودت‌خیز، فراهم می‌آید و آن شهرستان مقدس، یکپارچه عزا و ناله و ضجه و نوحه و ندبه بر سید مظلومان می‌گردد و مواكب، از حرم حضرت سیدالشهدا علیه السلام خارج شده، به حرم حضرت ابوالفضل قمر بنی هاشم علیه السلام هجوم می‌آورند و در آن روز، اثرات نهضت حسینی در جلوی چشم انسان مجسم می‌شود.^۲

بزرگداشت عاشورا و اربعین

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

این روزهای بزرگ را بزرگ شمارید و اربعین‌ها را، عاشوراها را و امثال این‌ها را بزرگ بشمارید. اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه تبلیغ کرده است و هم عمل کرده است، یعنی روزهایی را پیش آورده است که با خود این روزها و انگیزه این روزها تحکیم وحدت می‌شود؛ مثل عاشورا و اربعین.^۳

زیارت جابر

گزارش‌های بسیاری حاکی از حضور جابر بن عبدالله انصاری در کربلا در نخستین اربعین شهدا در سال ۶۱ هجری است. برخی در این گزارش‌ها تردید کرده و گفته‌اند: با توجه به امکانات

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

۲. سید جواد شُبَّار، ادب الطف، ج ۱، ص ۴۱.

۳. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۶۶ و ۲۶۲.

آن دوران، سفر از مدینه تا کربلا، پس از دریافت خبر واقعه کربلا، بیش از چهل روز طول می کشیده است. از این رو جابر نمی توانسته در اولین اربعین، خود را به کربلا رسانده باشد. در پاسخ به این تردید می توان گفت: اولاً از کجا ثابت شده که جابر، هنگام واقعه عاشورا در مدینه بوده است؟ شاید وی آن هنگام، مدینه را به سوی کوفه ترک کرده بوده است. ثانیاً می توان گفت که امکان دریافت خبر شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش تا ده روز پس از واقعه عاشورا وجود دارد و جابر می توانسته در مدت باقی مانده تا اربعین، خود را به کربلا برساند.^۱

الحاق سر مطهر

ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) می نویسد:

روز بیستم ماه صفر (اربعین) سر حسین بن علی علیه السلام به بدنش ملحق شد و در همان مکان دفن گردید. زیارت اربعین نیز در این روز بوده است و آنان چهل نفر از اهل بیت او بودند که پس از بازگشت از شام، قبر امام را زیارت کردند.^۲

چهل راهب شهید

در لغتنامه دهخدا درباره واژه «اربعین» آمده است:

اربعین، کوهی است در جنوب «ادلب» از مناطق حلب، دارای هوای نیک و آب های عذب و متنزهات خرم و چهل دیر در آن است و موقع آن در «وادی اللجاة» است و وجه تسمیه آن به اربعین از این جهت است که چهل راهب را که آن جا بودند بکشتند و گویند به مناسبت آن که چهل ناسک

۱. محمد محمدی ری شهری، شهادت نامه، ص ۸۳۹.

۲. ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیه، ص ۳۳۱ (به نقل از مقتل جامع سیدالشهدا علیه السلام).

را در ناحیه جبل سینا در اواخر قرن چهارم میلادی بکشتند، آن جا را اربعین خواندند.^۱

سنت اربعینی

شهید قاضی طباطبائی رحمته الله علیه در کتاب خود می نویسد:

بکاء آسمان و زمین و ملائکه و آفتاب بر سیدالشهدا علیهم السلام تا چهل روز، طریق و عادت را که در میان مردم یک حال استمراری پیدا کرده و بر سید مظلومان «اربعین» نگاه می دارند، نشان می دهد. حتی در میان مردم در زمان فوت کسان خودشان نیز این رویه معمول شده و این سیره مستمره را انجام می دهند و احترام آن ها را که از دنیا رفته اند، نگاه می دارند و شیعه تا اربعین آن حضرت از شادی و خشنودی خودداری می کنند. حتی در غیر مسلمانان نیز این عادت در مرده های شان مراعات می شود؛ خصوصاً که از بزرگان آن قوم باشد و کسی باشد که آثار علمی و نتایج قدمی را که در راه رفاه و آسایش دینی و دنیوی آنان برداشته باشد و در اصلاح جامعه، از جان گذشتگی نشان داده باشد.^۲

کیفیت زیارت جابر

عطا (عطیه عوفی) که همسفر جابر بن عبدالله در روز بیستم ماه صفر بوده است، می گوید: چون به غاضریه رسیدیم، جابر در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید. پس گفت: آیا با تو چیزی از بوی خوش هست ای عطا؟ گفتم: با من سعد هست. پس مقداری از آن سعد گرفت و بر سر و بدن پاشید

۱. لغتنامه دهخدا، واژه «اربعین».

۲. سید محمدعلی قاضی طباطبائی، تحقیق درباره اولین اربعین

سیدالشهدا علیهم السلام، ص ۲۵۶.

و با پای برهنه روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک حضرت امام حسین علیه السلام و سه مرتبه «الله اکبر» گفت؛ پس افتاده، بیهوش شد و چون به هوش آمد، شنیدم که گفت: «السلام عليك يا آل الله...» تا آخر.

پس خم شد و دو طرف روی خود را بر قبر مقدس مالید و چهار رکعت نماز کرد؛ پس آمد به نزد قبر علی بن الحسین علیه السلام و گفت: «السلام عليك يا مولای و ابن مولای...».

پس قبر را بوسید و دو رکعت نماز کرد و رو به جانب قبر شهدا کرد و گفت: «السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...» تا آخر. پس آمد نزد قبر حضرت عباس علیه السلام و ایستاد نزد قبر و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ»؛ پس دو رکعت نماز کرد و خدا را خواند برای حاجت‌های خود و بازگشت.^۱

یک اربعین گریه آسمان

امام صادق علیه السلام می فرماید: آسمان بر حسین بن علی علیه السلام و بر حضرت یحیی بن زکریا گریست و بر احدی جز این دو نگریسته است. راوی (عبدالله بن هلال) از امام پرسید: گریه آسمان بر این دو شهید چگونه بود؟ امام فرمود: مردم چهل روز دیدند که طلوع و غروب خورشید، سرخ و خون رنگ است. پرسید: آیا گریه آسمان همین است؟ فرمود: آری.

در حدیث دیگری، امام باقر علیه السلام فرمود: پس از یحیی بن زکریا آسمان بر کسی جز حسین بن علی علیه السلام نگریسته است. آسمان چهل روز بر آن حضرت گریست.^۲

۱. محمد باقر مجلسی، تحفة الزائر، مؤسسه الهادی، ص ۴۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۰ و ۲۱۱؛

چهل روز گریهٔ آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ

وقتی هابیل و قابیل به قربانگاه رفتند و قابیل، هابیل را کشت، نزد پدر آمد. حضرت آدم پرسید: هابیل کو؟ گفت: مگر او را به من سپرده بودی؟ آدم گفت: مرا به محل قربانی ببر، و حس کرد که قابیل او را کشته باشد. وقتی به آن جا رسیدند، دریافت که هابیل به دست قابیل کشته شده؛ پس آدم از آن جا برگشت و چهل شبانه روز بر هابیل گریه کرد.^۱

چله نشینی

اربعین، عبارت است از چله نشینی، اعتکاف و انزوای چهل روزه، که از رسم‌های سلوک صوفیانه است. شمس‌الدین آملی می‌نویسد: «متصوفه سالک را در مبدأ به خلوت فرموده‌اند، تا در کورهٔ خلوت، نفس او به آتش ریاضت گداخته شود، و از آرایش طبیعت صافی گردد» و تعیین آن به اربعین، مستفاد است از آنچه رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَ لَهُ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» کسی که چهل روز خالصانه عبادت و اعتکاف کند، چشمه‌های حکمت از دلش بر زبانش جاری می‌گردد و از کلام الهی در بیان میقات و تَبَتُّل و انقطاع موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ با حق سبحانه و تعالی، آن جا که فرمودند: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَاءٍ مِيقَاتِ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»؛ و وعده گذاردیم با موسی به سی شب، و سپس ده شب دیگر بر آن افزودیم، تا میقات او با خدا چهل شب کامل شد.^۲

که‌ای صوفی شراب آن‌گه شود صاف

که در شیشه بماند اربعینی^۳

۱. همان، ج ۱۱، ص ۲۳۰.

۲. اعراف، ۱۴۲.

۳. بهاء‌الدین خرمشاهی، حافظ‌نامه، ج ۲، ص ۱۲۲۶.

اربعین و انقلاب

در تاریخ انقلاب اسلامی، سنت احیای اربعین، تأثیر شگرفی در گسترش شور انقلابی در شهرها داشت. در چهلّم شهدای حادثه قم (قیام مردم در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۵۶ ش) مردم مسلمان تبریز قیام کردند و شهید دادند. در اربعین شهدای تبریز، مردم شهرهای دیگر مجلس یادبود گرفته، تظاهرات کردند و همین گونه اربعین‌ها به هم وصل شد و سراسر ایران به نهضت پیوست؛ تا آن که انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. این به برکت الهام‌گرفتن از فرهنگ شهادت و ایثار خون بود که ملت قهرمان ایران، از عاشورا فرا گرفته بود. «اربعین» تداوم «عاشورا» بود و «ذکر»، رسالت بازماندگان پس از خون و شهادت.^۱

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۶.

مضامین زیارت اربعین

در حدیث معروف امام حسن عسکری علیه السلام «زیارت اربعین» یکی از پنج علامت مؤمن شمرده شده است؛ چه بر سر تربت و مزار سیدالشهدا علیه السلام خوانده شود و چه از راه دور؛ بنابراین آنچه به دست ما رسیده است. مهم، توجه به مفاهیم مطرح شده در این زیارت است. پیش از پرداختن به مضامین بلند این زیارت شریف، لازم است اشاره‌ای به سند آن کنیم.

متن زیارت اربعین را حضرت صادق علیه السلام به صفوان بن مهران (معروف به صفوان جمّال) آموخته است و فرموده که این زیارت‌نامه را هنگامی که آفتاب روز اربعین برآمد و روز بلند شد، بخواند. این توصیه، اهمیت این زیارت ماثور را می‌رساند. حدیث را سید بن طاووس با سند خویش از صفوان روایت می‌کند. متن زیارت، در «اقبال الأعمال» سید بن طاووس، «المزار الکبیر» محمد بن جعفر مشهدی، «المصباح» کفعمی و «مصباح المتهجد» شیخ طوسی آمده است. علامه مجلسی هم در جلد ۹۸ بحار الأنوار، به نقل از تهذیب شیخ طوسی آن را نقل کرده است. گرچه در بعضی کلمات، تفاوت‌های جزئی میان نقل‌ها دیده می‌شود، ولی کلیت آن ثابت و یکسان و معتبر می‌باشد.

بنابراین شایسته است که در متن و محتوای «زیارت اربعین»، دقت و تدبیر شود، تا زائران و محبان سیدالشهدا علیه السلام

از معارف ناب و مفاهیم بلند آن مستفیض شوند. محورهای عمده این زیارت‌نامه را می‌توان چنین برشمرد:

۱. ترسیم سیمای امام حسین علیه السلام

زیارت اربعین، همچون بسیاری از زیارت‌نامه‌های دیگر با «سلام» آغاز می‌شود که نشانه تَوَلَّای شیعی نسبت به اولیای دین است و مخاطب این سلام، با اوصاف و القابی یاد می‌شود که هر کدام، بُعدی از ابعاد شخصیت سیدالشهدا علیه السلام را نشان می‌دهد. از آن حضرت، با عناوینی همچون ولی خدا، حبیب خدا، خلیل خدا، برگزیده خدا، شهید مظلوم، گرفتار رنج‌ها و مصیبت‌ها و کشته اشک‌ها یاد می‌شود: «... السَّلَامُ عَلَى أُسَیْرِ الْكُزَيَّاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ...»

پس از بیان این اوصاف و مقامات، زائر در پیشگاه خدا شهادت می‌دهد که آن امام شهید، ولی خدا و فرزند ولی خدا و صفی پروردگار و فرزند صفی خداست، تا این گواهی، عمق ایمان و باور زائر را نشان دهد و این اعتقادات را در جان او بنشانند.

۲. ویژگی‌های امام حسین علیه السلام

درفراز بعد، به برخی از اوصاف ویژه و کرامت‌ها و ارجمندی‌های آن امام شهید اشاره شده است. از جمله این که: آن حضرت، به کرامت الهی در سایه شهادت نائل آمده است؛

آن حضرت، از سعادت ویژه‌ای که عنایت الهی است برخوردار است؛

طینت و سرشت او و ولادتش، پاک و پاکیزه و دور از هر آلودگی است؛

او یکی از سروران و یکی از رهبران و یکی از مدافعان حق و دین است؛
او، میراث دار خط انبیا و حجت الهی بر همه بندگان خداست.

۳. فلسفه قیام عاشورا

درباره نهضت عاشورا تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌شود و اهداف مختلفی برای آن قیام خونین بیان شده است. آنچه در این زیارت‌نامه مطرح است، «هدف هدایت و نجات و بیداری امت» است. آن حضرت در دعوت مردم به راه خدا و سنت پیامبر و احکام قرآن چنان عمل کرد که راه عذر و بهانه را بر همه بست و اتمام حجت نمود: «فَأَعَذَّرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنَعَ النَّصْحَ». گاهی بیداری جامعه و شکستن جو خفقان و مبارزه با بدعت‌ها و انحراف‌ها، «خون» می‌طلبد. امام علیه السلام، خون قلب خویش را در راه خدا نثار کرد: «وَبَدَّلَ مُهَجَّتَهُ فِيكَ»، با این هدف که مردم را از جهالت و گمراهی در آورد و فضای حیرت و سرگستگی را بشکند و تکلیف بندگان خدا را روشن کند: «لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجُهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ». درباره عبرت‌های عاشورا و جهل و بی‌بصیرتی مردم بسیار سخن می‌توان گفت. وضع جامعه به گونه‌ای شده بود که تنها خون مطهر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌توانست انقلابی ایجاد کند و زلزله‌ای در ارکان حکومت اموی که بر پایه جهل مردم استوار بود، بیافکند.

۴. شناخت چهره مخالفان

چه کسانی، با چه ویژگی‌هایی و با چه اهدافی به جنگ با امام حسین علیه السلام آمدند و دست به آن جنایت عظیم زدند؟ هدفشان

چه بود که جز با کشتن ثارالله به آن نمی‌رسیدند؟ در فراز بعدی، ویژگی‌های گروه‌های ائتلافی بر ضد ولّی خدا را - که در حقیقت بُروز بغض و کینه‌های دیرین‌شان از صدر اسلام بود - ترسیم می‌کند:

- فریب خوردگان دنیا: «عَزَّتْهُ الدُّنْيَا»؛
- فروختن آخرت به بهای ناچیز دنیا: «وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ»؛
- هواپرستی: «وَتَرَدَّىٰ فِي هَوَاهُ»؛
- به خشم آوردن خدا و پیامبر و امام؛
- پیروی از منافقان و تفرقه‌افکنان و گنهکاران.

۵. جهاد تا شهادت

جهاد در راه خدا، همراه با صبر بر ادای تکلیف و اخلاص در مبارزه و ادامه جهاد تا مرز شهادت و حتی پس از شهادت، یعنی اسارت آزادی بخش آل الله، تضمین‌کننده حیات و بقای دین و خنثی‌کننده توطئه امویان ضد اسلام بود: «فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّىٰ سُنِّفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ، وَاسْتِيحَ حَرِيمَتَهُ».

احیای دین و مبارزه با بدعت‌های ضداسلامی، قربانی و فدایی می‌خواهد. آن که گام در این راه می‌نهد، هم باید اهل جهاد باشد، هم صبر و مقاومت، هم اخلاص، هم آمادگی برای فداکردن خون و تحمل هتک حرمت‌ها نسبت به خودش و خانواده‌اش داشته باشد. امام علیه السلام، عزیز خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، اما در صحرائی سوزان به محاصره آن نامردان گرفتار شد. تشنگی خود و فرزندان و یاران‌ش، عریان‌کردن پیکر پاکش، بریدن سرش، بر نیزه‌کردن سر مطهرش، آتش‌زدن خیمه‌ها، اسب‌تاختن بر جسد مطهرش، غارت خیام، به اسیری گرفتن اهل بیت علیهم السلام و... همه در راه خدا بود و آن

حضرت، با گفتن «الهی رَضِيَ بِقَضَائِكَ» خود را برای همه این مصائب آماده ساخته بود.

۶. لعن و تبرّی از دشمنان

در بسیاری از زیارت‌نامه‌ها، در کنار سلام به عنوان موالات و همسویی، «لعن» دشمنان هم دیده می‌شود که نشانه تبرّی از ظالمان و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام است. هم لعن زائر بر قاتلان و کافران و هم در خواست لعن الهی بر آنان که نمونه‌اش در این زیارت وارد شده است: «اللَّهُمَّ الْعَنُهمْ لَعْنًا وَبِيلاً»
درخواست لعنت و عذاب خدا بر جنایتکاران عاشورا، روح معادات و تبرّی را می‌رساند و زائر را در خط دشمنی با دشمنان خدا و پیامبران، ثابت قدم تر می‌سازد.

۷. پیوند امام با خط رسالت

وقتی در زیارت امام حسین علیه‌السلام، پیامبر و امیرمؤمنان و خاندان نبوت و عصمت علیهم‌السلام را می‌خوانیم، تأکیدی بر ارتباط آن شهید با این خاندان رفیع و نورانی است. در زیارت دیگر نیز چنین است که بر امام حسین علیه‌السلام یا به عنوان فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فرزند فاطمه علیها‌السلام، فرزند امیر مؤمنان علیه‌السلام، وارث انبیا علیهم‌السلام، امین خدا، فرزند امین خدا، فرزند وصی خدا، فرزند وصی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سلام می‌دهیم تا این پیوند را آشکار و علنی سازیم و این نکته، خنثی‌کننده توطئه دشمنان است که می‌کوشند شهدای کربلا را جدا از دودمان نبوت و آل الله معرفی کنند.

۸. حیات سعادت‌مندان

از سخنان امام حسین علیه‌السلام است که فرمود: «مَوْتُ فِي عَزِّ خَيْرٍ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ مرگ عزتمندانه بهتر از زندگی ذلیلانه است».

در فراز دیگری از زیارت، از آن امام شهید به عنوان کسی یاد می‌شود که زندگی‌اش سعادت‌مندانانه «عِشَتْ سَعِيداً» و مرگش ستوده و خداپسند «مَضِيَتْ حَمِيداً» و شهادتش مظلومانه «مَظْلوماً شَهِيداً» بود.

خداوند هم وعدهٔ نصرت و عزت و حیات ابدی به کشتگان راه خدا و مجاهدان راه حق، و هم وعدهٔ نابودی مستکبران و کیفر ظالمان را داده است؛ چه به سرعت و چه در زمانی طولانی؛ چه در دنیا و چه در آخرت. این است که زائر، بر حتمی بودن وعده‌های الهی در این موارد تأکید می‌کند: «وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ، وَمُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ»

۹. بیزاری از همفکران اهل ظلم

در فرهنگ دینی، هم جنایتکاران و ظالمان مطرود و ملعونند و هم کسانی که هرچند در ظاهر ساکت بوده‌اند و با جنایتکاران همکاری نداشته‌اند، ولی در دل و باطن به کار آنان راضی بوده‌اند، شریک جرم‌اند. این حقیقت، در زیارت‌های متعددی - از جمله زیارت عاشورا - آمده است. در این جا هم لعنت خدا بر کسانی است که امام را کشتند و به او ظلم کردند و بر جماعتی است که این واقعه را شنیدند، ولی به آن راضی و خشنود بودند. ساکنان در برابر فتنه و رضایت‌دهندگان قلبی به عمل دشمنان خدا و رسول ﷺ، با آنان همسو و هم سرنوشت شمرده می‌شوند: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِدَلِكِ فَرَضِيَّتِ بِهِ». از این رو، شیعهٔ زائر، موضع خود را شفاف و روشن بیان می‌کند و خود را در خط اولیای خدا و در مقابل دشمنان خدا و اهل بیت ﷺ اعلام می‌دارد و خدا را هم بر این موالات و معادات، گواه می‌گیرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَبِيٍّ لِمَنْ وَالَا، وَعَدُوٍّ لِمَنْ عَادَا».

و سرانجام این پیروی از خاندان عصمت و ولایت پذیری از آنان، آمادگی برای بذل جان خود و پدر و مادر و عزیزانش در راه آنان است: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ»

۱۰. باز هم تأکید بر دودمان پاک

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِحَةِ»

این فرزا، گواهی بر دودمان پاک پیامبر ﷺ، طهارت و شرافت نسب اهل بیت ﷺ، دوری از آلودگی‌های اعتقادی و اخلاقی دوران جاهلیت است. آیه تطهیر در قرآن^۱ بر طهارت کامل و عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ گواهی می‌دهد. بحث از نیاکان پاک و موحدانمه اطهار و تبارشناسی توحیدی این خاندان، نکته دیگری است که در این زیارت بر آن تأکید شده است.

۱۱. جایگاه والای امامت و ائمه ﷺ

نقشی که امامان شیعه ﷺ، از جمله سیدالشهدا ﷺ در جامعه اسلامی داشته‌اند، نقش هدایت، رعایت، اعانت و حفاظت از آیین و اهل ایمان بوده است. این خاندان، هم تکیه‌گاه مسلمانان، هم ستون اسلام و هم پناهگاه شیعه بودند. امام ﷺ در این فقره از زیارت، یکی از دعائم دین، ارکان مسلمین و معقل مؤمنین به‌شمار آمده و با اوصافی چون: بَرّ، تقی، رضی، زکی، هادی و مهدی معرفی شده است، که همه امامان ﷺ چنین بوده‌اند؛ افزون بر این که امام حسین ﷺ پدر بقیه امامان بعدی است. این از ویژگی‌های آن حضرت در روایات بیان شده که ائمه ﷺ، از نسل اویند. این ویژگی‌ها، به‌خصوص حجت‌بودنشان «وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا» جایگاه

۱. احزاب: آیه ۳۳.

رفیع آنان را در منظومه فکری و عملی و اجتماعی و سیاسی امت پیامبر ﷺ نشان می‌دهد و تبعیت از این نشانه‌های هدایت را ضامن درستی راه و رسیدن به مقصد می‌داند.

۱۲. ایمان، تسلیم، تبعیت

این سه عنصر، عوامل اصلی هدایت و سعادت در خط ائمه علیهم‌السلام است. ما شیعیان، به امامت آنان ایمان داریم «مُؤْمِنٌ بِكُمْ» و رجعت آنان در آخرالزمان را باور کرده‌ایم «وَبِأَيِّكُمْ مُوقِنٌ» و با همه آیین‌ها و سنت‌های دینی آن را ابراز می‌کنیم و تسلیم محض و تبعیت کامل نسبت به آنان داریم؛ چه در مرحله قلبی، چه در مرحله عملی: «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ». این ایمان و تسلیم و تبعیت، عنصر دیگری را می‌طلبد به نام «نصرت». همان‌گونه که یاران امام حسین علیه‌السلام در کربلا به او ایمان داشتند و تسلیم فرمان و تابع حرکت امام علیه‌السلام بودند و با همه توان از آن حضرت دفاع کردند تا به فیض شهادت رسیدند، زائر حسینی در اربعین هم، همین مراتب و مراحل را ابراز می‌دارد و همه توان و امکانات خویش را در راه ائمه علیهم‌السلام قرار می‌دهد، تا خداوند اذن دهد و دولت کریمه اهل بیت علیهم‌السلام، با رهبری حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفة تشکیل شود: «وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ» این که امروز یاری ما به این خاندان چگونه می‌تواند باشد، جای تأمل و سخن بسیار دارد. کدام عمل، در راستای مواضع ائمه علیهم‌السلام به شمار می‌آید؟ امکانات قابل عرضه ما برای «نصرت» چیست؟ زیرا فقط با شعار «گوش به فرمان تو بوییم» مشکلی حل نمی‌شود.

۱۳. اعلام مواضع

در زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا و زیارت‌های دیگر، از جمله در همین زیارت اربعین، این تعبیر دیده می‌شود: «فَعَعَكُم مَعَكُمْ مَعَ لَا عَدُوَّكُمْ»؛ این یعنی داشتن موضع، اعلام موضع، پایداری بر سر موضع، همسوز شدن با دشمنان و حمایت از خط ائمه علیهم‌السلام. این «مَعِيَّت» و همراهی با ائمه علیهم‌السلام چگونه است؟ اگر امامان علیهم‌السلام در عصر ما حضور داشتند، در جناح‌بندی‌های سیاسی در کدام جهت بودند؟ در مسائل بین‌المللی چه موضعی داشتند؟ با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و گروه‌های تکفیری و حکومت‌های مزدور بیگانه و حاکمان وابسته به استکبار چه برخوردی داشتند و نسبت به مسائلی همچون فلسطین چه موضعی می‌گرفتند؟ شناخت ما از ائمه علیهم‌السلام، موضع آنان را به ما نشان می‌دهد.

خط ائمه علیهم‌السلام، امروز هم جلوه‌ها و نمادهایی دارد؛ هم چنان که خط دشمنان‌شان نیز در اشکال گوناگون ظهور و بروز دارد. این فراز زیارت، باز هم تأکیدی بر تَوَلَّی و تَبَرَّی است.

۱۴. درود پایانی

پایان بخش زیارت، این فراز است: «صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَعَائِيَّتِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

در این فراز، اولاً در احترام و بزرگداشت آنان، «صلوات خدا» را بر آنان خواستار شده‌ایم، که برتر از درودهای ما بندگان است. ثانیاً درودهای الهی را نسبت به همه آنان و همه جوانب حیاتشان خواستار شده‌ایم؛ چه بر روح و جانشان، چه بر پیکرهای مطهرشان، چه بر آنان که هستند یا نیستند،

چه ظاهر و چه باطن، که شامل امامان معصوم شهید عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز می‌شود که آمده‌اند و رفته‌اند، هم بر امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ که هم «ظاهر» است (هرچند از دید ما غایب است) و هم «شاهد» است. (هرچند ما او را نمی‌بینیم).

نتیجه‌گیری

زیارت اربعین، نوعی «تجدید میثاق» با امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و اهل بیت و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است. ابراز وفاداری نسبت به آنان و راه و مرام‌شان، ابراز عداوت و براءت نسبت به قاتلان و دشمنان آنان، تَوَلَّی و تَبَرَّی، اعلام آمادگی برای جان‌فشانی در راه مقدس آنان، بیان مواضع و همبستگی با خط نورانی اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تبعیت و تسلیم و نصرت، شناخت چهره‌های حق و باطل و رهبران «نور» و «نار» و مسئله جهاد و شهادت و خط ایثارگری در راه مکتب و عقیده، که دستاورد شناخت فلسفه عاشورا و قیام حسینی است.

این سرفصل‌ها در زیارت اربعین بازگویی می‌شود و زائر حسینی این باورها را از دل بر زبان جاری می‌کند، تا زمینه رسوخ قلبی و نمود اجتماعی آن فراهم آید.

توفیق الهی نصیبمان باد تا در اربعین حسینی، آن امام شهید را با این زیارت‌نامه زیبا و پرمعنا که آموزه حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به شیعه است، در کنار حرم باصفایش زیارت و عرض ادب کنیم؛ آمین.

ادب و آداب زیارت

ادب ظاهری و باطنی

رعایت ادب و آداب در هر امری، سبب دست یافتن بهتر به اهداف آن کار است. هر چیزی هم برای خود آدابی دارد، مثل آداب تجارت، آداب معاشرت، آداب کسب علم، آداب جنگ و مبارزه، آداب نماز و قرائت و... که شناخت و مراعات آنها، آن عمل را موفقیت آمیزتر می سازد و عامل را به هدف نزدیک تر می سازد.

از جمله برای زیارت هم آدابی ذکر شده است. مراعات آنها هم ثواب بیشتر دارد، هم زائر را در دستاوردهای معنوی زیارت کامیاب تر می سازد و تربیت کننده است و مایه ارتباط روحی بهتر. این آداب، برخی ظاهری است و برخی باطنی. در کتب حدیث هم عنوان «ادب ظاهری» و «ادب باطنی» برای برخی از اعمال و سنن مطرح شده است. بی شک همان آداب ظاهری هم به حصول توجه قلبی و ادب باطنی کمک می کند.

کیفیت زیارت کردن و جزئیات زیارت خواندن و کم و کیف این تشریف و دیدار معنوی را نیز باید از اولیای دین آموخت. امام صادق علیه السلام به محمد بن مسلم - که از اصحاب بزرگ اوست - چنین دستورالعمل می دهد:

هرگاه به زیارت مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام رفتی، غسل زیارت کن، پاکیزه ترین جامه هایت را بپوش، بوی خوش و عطریات استعمال کن، با آرامش و وقار و آرام آرام حرکت کن، وقتی

به «باب السلام» رسیدی، رو به قبله بایست و سه بار تکبیر بگو، آن‌گاه زیارت را بخوان...^۱

این نکات، از جمله آداب ظاهری زیارت است. در مورد «آداب باطنی» و توجه پیدا کردن در زیارت، مرحوم نراقی توصیه می‌کند که:

... در نجف، به خاطر آور که این‌جا «وادی السلام» و مجمع ارواح مؤمنان است و خداوند این‌جا را جزء شریف‌ترین مکان‌ها قرار داده است و مدفن وصی پیامبر ﷺ در این‌جا است. هم‌چنین مدفن آدم و نوح، در همین محل است.^۲

خلاصه این‌که هنگام زیارت نجف، باید توجه داشت که این‌جا تربت ابوتراب است و علی علیه السلام، آن جاودانه‌مرد در این‌جا آرمیده است. در این صورت، دلی از سنگ می‌باید که نلرزد و خاشع نشود و دیده‌ای بی‌فیض باید باشد تا اشکی از شوق نریزد، یا آهی از درد نکشد و داغ مظلومیت علی علیه السلام، او را غمگین نسازد.

آن کس که به زیارت علی علیه السلام می‌آید، باید پای پرآبله‌اش، هرگز خسته نگردد و در راه طلب، شب از روز بازنشاسد و رنج را بر راحت برگزیند و به این دیار، با پای سر بَدود و باره توشه عشق سفر کند و در جوار این تجلی‌گاه فروغ ایزدی، رحل اقامت افکند. در سایر زیارتگاه‌ها و تشرّف به حرم‌های اولیا نیز چنین است.

مرحوم شیخ بهایی رحمته الله نیز بیان جالب و دستورالعمل خوبی دارد. وی، در یکی از سروده‌های مفصل خویش که به عربی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۰۵.

۲. جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، ج ۳، ص ۴۰۳.

است، در مورد زائر امام علی علیه السلام و حضور قلبش و آگاهی به موقعیت زیارت، می‌گوید:

...خوش آن کس که او را یک بار زیارت کند.

ای سواره‌ای که راه‌های پرسنگلاخ و سوزان را می‌پیمایی و دشت‌ها و بیابان‌ها را طی می‌کنی، اگر خواستی که خدای آسمان را خشنود کرده و پس از کوردلی، به رشد برسی و در روز تشنگی قیامت، از کوثر سیراب شوی، هرگاه در سیر و سفر طولانی و دور و دراز خود، به آن دیار رسیدی و بر تربت علی علیه السلام ایستادی و اظهار محبت نسبت به او کردی و ریسمان استوار الهی را دیدی و پس از سیر شبانه‌ات، رویاروی نجف قرار گرفتی، پس مخواب، مگر اندکی.

ره‌توشه و بارت را همان‌جا بر زمین بگذار و از آن خاک مگذر. بر آستان او بمان و همچون گرفتاری دردمند و فروتن بایست و با انبوه مردم سیر کن و غبار آن دیار را ببوی. اگر مطیع فرمان خدایی او را خشنود کن که محبت ائمه علیهم السلام، فرضی است خدایی. از این فریضه، پاداش خود را مضاعف گردان، در این سرزمین چهره بر خاک بگذار... . وقتی به آن تربت رسیدی سلام کن و شیفته و شیدای آن آستان باش. قبر کسی را آن‌جا زیارت کن که با والایی‌ها نمایان است. در آن‌جا نور را می‌بینی که فضا را آکنده است و شعاعش همه‌جا را فراگرفته است. اگر در زمانش حضور نداشتی، با گریه‌ات یاریش کن. در حضور او بایست، فرمانش را اطاعت کن و از صاحب قبر بپرس که: چگونه زمان را درنوردیدی و افتخار را به دست آوردی؟ عاشقانه بایست و از دشمنانش بیزارى بجوی و محبت خویش را به سویش پراکنده و آشکار کن و از درگاهش مرو و به او

سلام مرا برسان، سلام شیفته‌ای از دیاری دور!
 او را زیارت کن و در قرب او بهره‌ور باش تا پاداش به دست
 آوری و نجات یابی. برخیز... و خاک آن آستان را بیوس و
 توجهت را به درگاه او ابراز کن و از روی کوچکی، چهره بر
 خاک بگذار...

در آن مکان، بسیار گریه کن و بگو: ای قسیم بهشت
 و دوزخ! غلامت از تو امید امان دارد، بلا او را به این‌جا
 کشانده است و زمانه جفایش کرده و از حوادث به تو پناه
 آورده است. ای کشتی نجات! به تو روی آورده و در زندگی
 سرمایه‌ای جز محبت شما ندارد.

پس در سختی قبر، هنگام مرگ، او را نگهدار، که تو پناه
 خستگان روزگارانی...^۱

غرض، بیان فضائل علی علیه السلام نیست، که آن مقوله‌ای
 جدا است، که نه در این‌جا می‌گنجد و نه این بحث درصدد
 پرداختن به ارزش‌های والای امیرالمؤمنین علیه السلام است. صرفاً
 اشاره‌ای است به برخی احساس‌ها و حالت‌ها که بزرگان و
 حق‌شناسان و عارفان به مقام علی علیه السلام در سخن و سروده
 خویش بیان کرده‌اند و زیارت را با کیمیای «معرفت» گوه‌ری
 گران‌بها کرده‌اند.

وگرنه...

اوصاف علی به گفتگو ممکن نیست

جادادن بحر، در سبو ممکن نیست

مدح علی، خدا بُود در قرآن

مدحش به زبان خلق او ممکن نیست

در آغاز، از آداب ظاهری و باطنی زیارت پیامبر و ائمه علیهم السلام،

فقط به نقل سخن شهید اول در «دروس» اکتفا می‌کنیم که مرحوم علامه مجلسی نقل کرده است و خلاصه آن چنین است:

- قبل از ورود به زیارتگاه، غسل کردن و باطهارت بودن

- بالباس‌های پاکیزه و بوی خوش زیارت کردن

- آرام قدم برداشتن و با خضوع و خشوع آمدن

- بر درگاه حرم ایستادن و دعاخواندن و اجازه ورود خواستن

و اگر رقت قلب حاصل شد، آن‌گاه وارد شدن

- در برابر ضریح ایستادن و زیارت‌نامه خواندن

- گونه راست و چپ صورت را بر ضریح نهادن و با تضرع از خدا حاجت خواستن

- صاحب قبر را برای برآمدن حاجت و رفع نیاز، شفیع قرار دادن

- دو رکعت نماز زیارت و دعاهای منقول را خواندن و تلاوت قرآن

- حضور قلب داشتن در تمام مراحل زیارت، و نیز توبه و استغفار و صدقه‌دادن به نیازمندان و تکریم خادمین مزار...^۱

آنچه از مرحوم شهید اول نقل شده است، «۱۳» آداب است که خلاصه‌اش گذشت و آنچه مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان آورده، تا «۲۸» آداب می‌رسد.^۲ این دو بزرگوار، آنچه را گفته‌اند، فهرست‌وار، فشرده و گذراست. گزیده‌ای از آن آداب را با شرح و تبیین بیشتری در این‌جا می‌آوریم:

۱. غسل زیارت

برای حضور در حرم‌ها، زائر باید پاک باشد، هم پاکی ظاهری،

۱. همان.

۲. مفاتیح الجنان، فصل اول از آداب سفر، با عنوان «آداب زیارت».

هم درونی. «غسل زیارت» از آن جا که به عنوان یک عمل عبادی انجام می‌گیرد، علاوه بر تمیزی جسم و لباس، طهارت روح و روان را هم در پی دارد. هم قبل از آغاز سفر زیارتی و هنگام بیرون رفتن از خانه و شهر و پیش از شروع مسافرت مستحب است، هم قبل از تشریف به حرم‌های مطهر معصومین علیهم‌السلام.

غسل، یک طهارت جسمی است، ولی صفای روحی و معنوی هم دارد، چون همراه با نیت، ذکر خدا و دعاست و تنها دوش گرفتن و شستن بدن نیست، مثل وضو که صرف شستن صورت و دست‌ها نیست. نورانیت و آثار معنوی و روحی آن در سایه توجه و قصد قربت و عبادت فراهم می‌شود. وضو به عنوان مقدمه نماز، غسل به عنوان مقدمه زیارت است.

در زیارت هفتم امام حسین علیه‌السلام که از حضرت صادق علیه‌السلام به صفوان جمال آموخته شده، حضرت می‌فرماید: وقتی خواستی به زیارت بروی، از آب فرات غسل کن و هنگام غسل بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَأَقْبَةً وَعَاهَةً، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَسَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي.

با این دعا و امثال آن، هم کار با نام و یاد خدا آغاز می‌شود، هم طلب نورانیت و پاکی و شفا و ایمنی است، و هم دعا برای طهارت قلب و شرح صدر و آسانی کار.

غسل زیارت، یک معنای نمادین هم دارد، یعنی شست‌وشوی جسم و تمیزی بدن، نمادی از طهارت روح است «شست‌وشویی کن و آنگه به خرابات خرام». کسی که برای تشریف به حرم، آرایش جسمی را می‌زداید، آرایش روح را هم باید بشوید، هم با جسم پاک، هم با روح پاک، هم با لباس نو، هم

با روحیه نو، چرا که توبه و خشوع، لباس روح است. در احادیث توصیه شده وقتی زائر از غسل فارغ شد، جامه پاک و تمیز بپوشد و دو رکعت نماز بخواند، و با ذکر خدا و «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و با قدم‌های کوچک به طرف مزار برود، همه این‌ها در تأمین حال معنوی مؤثر است. برای غسل زیارت، دعا‌های دیگری نیز جز آنچه ذکر شد، وارد شده است.

طهارت روحی شرط ارتباط با پاک‌دلان و پاک‌جانان و حضور در اماکن مقدس است. رعایت این ادب در حال حیات امامان علیهم‌السلام هم مورد تأکید است. چند نفر در مدینه قصد تشریف به حضور امام صادق علیه‌السلام برداشتند. در راه یکی از اصحاب از کوچه‌ای بیرون آمد و به این جمع پیوست، درحالی که جنب بود و اینان نمی‌دانستند. وقتی خدمت امام رسیدند و سلام دادند، حضرت خطاب به آن شخص فرمود: آیا نمی‌دانی که سزاوار نیست شخص جنب به خانه انبیا وارد شود؟

او برگشت و بقیه به خدمت امام شرفیاب شدند.^۱

امام صادق علیه‌السلام توصیه فرموده است: هرگاه به قصد زیارت قبر امیر مؤمنان علیه‌السلام رفتی، وضو بگیر، غسل کن و با آرامش راه برو. امام هادی علیه‌السلام نیز به موسی بن عبدالله نخعی که از آن حضرت، زیارتی کامل و جامع برای هر یک از ائمه علیهم‌السلام درخواست کرد و حضرت هم «زیارت جامعه» را به او آموخت، قبل از بیان متن زیارت، فرمود: هرگاه به آستانه مرقد آن حضرت رسیدی، بایست و درحالی‌که با غسل هستی شهادتین را بگو و اذن دخول بخوان و آداب دیگر. در حدیثی هم که صفوان جمّال از حضرت صادق علیه‌السلام می‌پرسد: امیرالمؤمنین علیه‌السلام را

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۶.

چگونه زیارت کنم؟ می‌فرماید: هرگاه ارادهٔ زیارت کردی، غسل کن، دو جامهٔ تمیز و شسته شده‌ات را بپوش، عطر بزن و با بوی خوش به زیارت برو.^۱ خوشبویی و تمیزی از اخلاق انبیاست و برای زیارت اولیای الهی تأکید بیشتری بر آن شده است.

جنبه دیگر «غسل زیارت» به بُعد اجتماعی آن مربوط می‌شود. معمولاً در تجمع‌ها و مسافرت‌ها، ممکن است بدن عرق کند، فضا از نظر بوی بدن و عرق پاها و غبار آلودگی زائران و... ناهنجاری‌هایی داشته باشد که تحمل آن برای دیگران خوب و خوشایند نباشد. غسل زیارت، گامی برای ایجاد فضای مطلوب‌تر در اماکن زیارتی و در مجموعه‌های زائران است. ادب تشریف به محضر یک شخصیت والا ایجاب می‌کند که دیدارکننده با بهترین لباس و نیکوترین وضع و هیأت و با آراستگی کامل برود، تا ادای احترام کرده باشد. غسل پیش از زیارت، تا حدی تأمین‌کنندهٔ این هدف است و بدون آن نوعی بی‌احترامی می‌شود.

از امام صادق علیه السلام دربارهٔ آیهٔ «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۲ پرسیدند، فرمود: «الْغُسْلُ عِنْدَ لِقَاءِ كُلِّ إِمَامٍ».^۳ غسل هنگام دیدار هر امام را مصداقی از آراستگی هنگام عبادت یا حضور در عبادتگاه به شمار آورده است و این برای زائران درس تمیزی و خوشبویی و ادب ظاهری می‌دهد.

۲. لباس تمیز و آراستگی و خوشبویی

پوشیدن جامهٔ نو و لباس تمیز و استفاده از عطر، از آداب دیگر

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۰۴.

۲. اعراف: آیهٔ ۳۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۰۳.

تشریف به حرم‌های مطهر است. در روایات، هم بر «تَوْبُ جَدید» تأکید شده، هم بر «تَوْبُ نَظِیف» که می‌رساند تمیزی و تازگی هر دو مورد عنایت است. مرحوم فیض کاشانی به نقل از شیخ صدوق، یکی از آداب زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام در عراق و خراسان را همین نکته می‌داند. مثلاً در زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام می‌گوید: هرگاه به زیارت آن حضرت رفتی، از کنار فرات غسل کن، لباس‌های پاکیزه بپوش و پابرنه به سوی حرم عزیمت کن. در مورد زیارت حضرت کاظم علیه‌السلام در بغداد و زیارت امام رضا علیه‌السلام در طوس هم غسل و تمیزی و پوشیدن لباس نورا بیان می‌کند و نیز در زیارت قبر عسکریین علیهم‌السلام در سامرا هم همین توصیه را دارد: «... فَاغْتَسِلْ وَتَنْظِفْ وَالْبَسْ تَوْبِيكَ الظَّاهِرِينَ»^۱.

از آن‌جا که حالت روحی و جسمی و ظاهر و باطن در یک‌دیگر تأثیر متقابل دارند، نوع لباس و وضع ظاهر زائر در پدیدآمدن حال مناسب روحی و ایجاد نشاط معنوی مؤثر است. لباس تمیز و نو هم همین اثر روحی را دارد. به علاوه، حرمت‌گذاری به شخصیتی که به دیدارش می‌رویم، بخشی هم در آراستگی ظاهر و مرتب و معطر بودن لباس و سر و وضع جلوه می‌کند.

۳. وقار و طمأنینه

آرامش و وقار ظاهری، نشانه طمأنینه درونی است. رفتار شتاب‌زده هم گویای باطن آشفته و نابسامان است. در توصیه‌های مربوط به زیارت آمده است که: باوقار و آرامش راه بروید، قدم‌ها را کوچک بردارید، حالت طمأنینه داشته باشید، باحالت ذکر و تسبیح و تکبیر، وارد حرم و مزار شوید. این‌ها

۱. محجة البیضاء، ج ۴، ص ۹۱.

جهات شکلی و آداب ظاهری است که در باطن و درون زائر هم اثر می‌گذارد.

پیاده‌رفتن بعضی از ائمه علیهم‌السلام به سفر حج را شنیده‌اید (مثل امام مجتبی و امام کاظم علیهم‌السلام). پیاده‌روی هم اثرگذار بر روح و روان است. صفوان جمال نقل می‌کند که با حضرت صادق علیه‌السلام هم سفر بود، به کوفه که رسیدند، امام دستور داد تا مرکب را بخواباند و فرمود: این جا قبر جدم امیر مؤمنان علیه‌السلام است. سپس حضرت غسل کرد، لباس دیگری پوشید، به طرف تپه‌ای که قبر علی علیه‌السلام آن جا بود راه افتاد و به صفوان فرمود: تو هم مثل من کن، گام‌هایت را کوچک بردار، نگاهت را به طرف پایین بگیر، متواضعانه راه برو... سپس خودش با صفوان به طرف قبر حرکت کردند، درحالی‌که سکینه و وقار بر آن دو حاکم بود و تسبیح و تقدیس و تهلیل می‌گفتند تا به قبر شریف رسیدند.^۱ در حدیث دیگری است که امام هادی علیه‌السلام که زیارت جامعه کبیره را به موسی بن عبد الله نخعی آموخته، پیش از بیان متن زیارت‌نامه به وی فرمود: هرگاه وارد حرم شدی و قبر را دیدی، بایست و ۳۰ بار، الله اکبر بگو، سپس کمی جلو برو، درحالی‌که همراه با آرامش و وقار باشی، فاصله گام‌هایت را کوتاه کن، بایست، باز هم ۳۰ بار تکبیر بگو، سپس نزدیک قبر برو، باز هم ۴۰ بار تکبیر بگو، سپس بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ...»^۲.

۴. خضوع و خشوع

از جمله آداب زیارت، داشتن خضوع و خشوع هنگام زیارت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۰۵.

۲. همان، ص ۳۰۴.

است. «خشوع»، حالتی قلبی و روانی است که از معرفت و محبت نسبت به یک مقام و شخصیت در دل ایجاد می‌شود. تأثیر عظمت او در قلب، حالتی را پدید می‌آورد که رعایت احترام در ظاهر را در پی دارد. حتی نوع ایستادن، نشستن، نگاه کردن، سخن گفتن، وارد و خارج شدن، همه تحت تأثیر آن حالت درونی است. پس خشوع قلبی، خضوع اعضا و جوارح را پدید می‌آورد. این هم از نمونه‌های دیگر «تأثیر درون در برون» است. هرچه معرفت نسبت به مقام پیشوا زیادتر باشد، خشوع دل هم عمیق‌تر و بیشتر است و رعایت ادب و خضوع ظاهری هم افزون‌تر خواهد شد. این‌که بعضی هنگام خروج از حرم، عقب عقب می‌روند و حاضر نیستند پشت به ضریح کنند و بیرون روند، جلوه‌ای از همین خضوع و ادب ظاهری است که ریشه در درون دارد. همچنان که در نماز، اگر حضور قلب باشد، رعایت و وقار ظاهری را در پی خواهد داشت، در زیارت نیز چنین است. در زیارتگاه‌ها تنها با جسم و بدن به یک امام معصوم علیه السلام نزدیک نمی‌شویم، بلکه قرب روحی هم باید پیدا کنیم. زائر باید خود را در محضر امام حس کند و امام را ناظر و مراقب رفتارش ببیند و چنین تصور کند که از راه دور آمده و اجازه یافته به حضور معصوم علیه السلام برسد. چه حالتی خواهد داشت؟

به‌علاوه، وقتی تربت پاک و مطهر ولی خدا مقدس است، به‌تناسب قداست مکان و جایگاه، زائر باید شئون آن جا را رعایت کند. خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمان می‌دهد که: «ای موسی! تو در وادی مقدس طور هستی، کفش‌هایت را درآور». ^۱ همین نکته سبب شده که بزرگان در توصیه‌های خود

۱. <فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى> طه: آیه ۱۱.

به بیرون آوردن کفش در حریم قدس زیارتگاه‌ها تأکید کنند و هم خودشان در عمل، پابرنه به حرم‌ها مشرف شوند. شیخ بهایی در شعری که به مناسبت تشرف به حرم علوی دارد، می‌گوید: «... هَذَا حَرَمُ الْعِزَّةِ فَاحْلَعْ نَعْلَيْكَ؛ این افق روشن که بر تو آشکار گشته، در حریمش خضوع کن و این طُورِ سیناست، کفش از پای درآور.»^۱

۵. ذکر و تکبیر و تسبیح

از آدابی که برای زیارت مرقد‌های مطهر بیان شده، گفتن تکبیر و تهلیل هنگام تشرف است. یاد خدا و حمد و ستایش او و ذکر توحید و تسبیح و تنزیه، هم توجه دادن به عظمت خداوند است که چنین شخصیت‌های عظیمی آفریده که عظمتشان در عبودیت و تواضع در پیشگاه خداست، هم نوعی تعدیل نگاه و توجه انسان زائر است، تا درباره این پیشوایان الهی، دچار غلو نشود و نسبت‌های غلوآمیز ندهد و محوریت توحید در همه مسائل حفظ شود. مثلاً در زیارت امام حسین علیه السلام روایت شده که قبل از زیارت و در بدو ورود، حتی وقتی به فرات می‌رسد تا غسل زیارت کند، صد مرتبه الله اکبر، صد مرتبه لا إله إلا الله و صد مرتبه صلوات بگوید. نیز در روایت است: هنگام زیارت، وقتی مقابل قبر امام معصوم علیه السلام قرار گرفت، اگر بگوید: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له» ثواب بسیاری برای او نوشته می‌شود.^۲ ذکرگفتن و خدا را به یکتایی ستودن و او را بزرگ شمردن، در همه حال خوب است و در حرم‌های مطهر اولیایی که مظهر اخلاص و توحید و ذکر و تسبیح‌اند، خوب‌تر.

۱. منتخب التواریخ، ص ۶۸۳.

۲. مفاتیح الجنان، ادب پنجم از آداب زیارت.

۶. اذن دخول

خواندن «اذن دخول» هنگام زیارت، یکی دیگر از آداب است. این اقتضای ادب است که بی‌اجازه وارد حریم حرم نشویم و با خواندن اذن ورود، هم ادای احترام کنیم، هم دل را آماده‌تر سازیم. این‌که در آغاز این بخش، از قول شهید اول نقل شد که زائر، بر درگاه حرم بایستد، دعا کند و اذن بطلبد و اگر در دل خود خشوعی احساس کرد و برایش رقت قلب حاصل شد، وارد شود و گرنه، بهتر است که برای ورود، زمان دیگری را انتخاب کند که رقت قلب و خشوع حاصل شود،^۱ برای این است که غرض مهم‌تر از ورود به حرم، حضور قلب است، تا انسان از رحمت نازله از سوی خدا برخوردار شود.

دقت در متن «اذن دخول»‌های روایت شده، آموزنده نکاتی است که در افزایش ایمان و معرفت و توجه زائر نسبت به موقعیتی که در آن قرار دارد و کسی که به زیارتش آمده، مؤثر است. حضور در اعتاب مقدسه با توجه به این حقایق و معارف و فضایل، زمینه‌ساز فیض بیشتر در زیارت است.

در روایت است، هنگام زیارت حضرت رسول ﷺ و هریک

از معصومین علیهم‌السلام این‌گونه اذن دخول بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ...؛ خداوندا، بر درگاه یکی از خانه‌های پیامبر و دودمان پیامبر ﷺ ایستاده‌ام. خدایا، مردم را از این‌که بی‌اجازه وارد خانه پیامبرت شوند منع کرده‌ای. من به حرمت پیامبرت در حال غیبتش مثل حال حضور و حیاتش عقیده‌مندم و می‌دانم که فرستادگان تو زنده‌اند و نزد تو روزی می‌برند، جایگاه مرا در این‌جا و این لحظه می‌بینند

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۶.

و سخنم را می‌شنوند. پروردگارا، ابتدا از تو اذن می‌طلبم، سپس از پیامبرت، و از جانشین تو که اطاعتش بر من واجب است، اجازه می‌خواهم که در این لحظه وارد خانه‌اش شوم، از فرشتگان گماشته به این بارگاه مقدس هم اذن می‌طلبم، به اذن خدا و رسول و خلفای او و اذن همه شما وارد این خانه می‌شوم و جویای تقرب در پیشگاه خدای هستم...^۱

در زیارت حضرت علی علیه السلام هم، دعاها و اذن ورودهایی نقل شده، چه در هنگام ورود به نجف، چه وقت ورود به حرم، چه هنگام ایستادن به صحن و آستانه، چه وقت ورود به رواق، که مضمون این دعاها و اجازه‌خواهی‌ها، اظهار ادب و درخواست اذن برای ورود به این مکان مقدس و حریم نورانی است و از آن امام به‌عنوان مولا، امیر مؤمنان، حجت خدا، امین پروردگار و... یاد شده است، تا زائر، قبل از زیارت بداند که در کجاست و به دیدار چه انسان کامل و حجت عظیمی آمده است. اغلب، مستند این اذن طلبی برای ورود به حرم را آیه *«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ»*^۲ دانسته‌اند، که نهی از ورود بی‌اذن به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله است و در متن «اذن دخول» هم به این آیه اشاره شده است.

۷. عتبه بوسی

احترام و ارج نهادن به جایگاه والای حرم‌های مطهر، گاهی هم به بوسیدن درو درگاه در هنگام ورود است. در برخی سروده‌های عالمان عارف درباره زیارت نیز به این عتبه بوسی و ابراز تواضع و ادب و محبت اشاره شده است.

۱. همان، ص ۱۶۰.

۲. احزاب: آیه ۵۳.

علامه مجلسی رحمته الله سخن شهید اول را در این مورد به عنوان یکی از آداب زیارت نقل می‌کند، سپس می‌افزاید که دلیل مستندی برای استحباب بوسیدن آستان و درگاه نداریم، ولی سجود برای خدا به عنوان شکر الهی بر این توفیق، مانعی ندارد.^۱ البته باید توجه داشت که بوسیدن زمین و درگاه به عنوان احترام و شکر، نباید به عنوان سجده بر امام تلقی شود و بهانه‌ای به دست مخالفان افتد تا چنین وانمود کنند که شیعیان در پیشگاه امامان خود سجده می‌کنند، درحالی‌که سجده بر غیر خدا جایز نیست!! بوسیدن زمین به شکرانه توفیق الهی و بر نعمت زیارت، غیر از سجده به یک انسان است. صورت بر زمین نهادن یا بوسه بر آستان زدن، نهایت ادب و ارادت و محبت نسبت به یکی از اولیای مقرب درگاه خداست و هیچ ربطی به شرک و پرستش غیر خدا ندارد.

۸. حضور در کنار قبر و بوسیدن ضریح

ادب دیگر در زیارت که نشانه محبت و ارادت بیشتر است، نزدیک شدن به قبر، دست نهادن به آن، بوسیدن و ابراز اشتیاق است. داستان زیارت اربعین جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی گواه این زیارت عاشقانه است که دست روی قبر سیدالشهدا علیه السلام نهاد و بر او درود و سلام داد.

در حدیث امام صادق علیه السلام آمده است:

صَلُّوا إِلَى جَانِبِ قَبْرِ النَّبِيِّ، وَإِنْ كَانَتْ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ تَبْلُغُهُ
أَيَّمَا كَانُوا؛ كِنَارِ قَبْرِ پیامبر بر او صلوات و درود بفرستید،

هرچند درود مؤمنان هر جا که باشند به او می‌رسد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۴ و ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۵۶.

مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان، ضمن بحث از آداب زیارت به این نکته اشاره می‌کند که برخی می‌پندارند رعایت ادب نسبت به حریم امامت به آن است که زائر هرچه دورتر بایستد و به قبر و ضریح نزدیک نشود، آن‌گاه این را وهم و اشتباه می‌داند و تأکید می‌کند که نزدیک شدن به قبر و ضریح و بوسیدن آن یکی از آداب است. البته رعایت این ادب و استحباب، وقتی است که ازدحام جمعیت نباشد و عمل به آن مزاحمتی بر دیگران نداشته باشد و فشار نیاورد، یا حال معنوی زائر را به هم نزند. چه بسا یک کار مستحب، در شرایطی تبدیل به امر غیرمطلوب می‌گردد. مثل بوسیدن حجرالأسود که در شرایط خلوت و عادی بسیار پسندیده است، ولی در ازدحام جمعیت بوسیدن یا لمس آن، به قیمت له کردن دیگران یا اذیت و آزار، روا نیست. در شرایط ازدحام در حرم‌ها بهتر آن است که انسان کناری بایستد و با حفظ فاصله و حالت آرامش خود زیارت‌نامه بخواند و این تصور عوامانه را که اگر دست به ضریح نرسد زیارت قبول نیست، از ذهن خود بیرون کند. کسی هم که کنار ضریح می‌رود و لمس می‌کند یا بوسه بر آن می‌زند، خوب است که توقف نکند و فرصت و امکانی برای دیگران هم بدهد که به این فیض برسند و استفاده از ضریح را حق اختصاصی خویش نشمارد.

بوسیدن ضریح، نوعی ابراز عشق و علاقه به صاحب قبر است. بوسه بر درگاه و درها و دیوارها و ضریح و سنگ قبر، به خاطر انتساب این‌ها به آن چهره‌های محبوب است، و گرنه سنگ و چوب و آهن خودبه‌خود قداستی ندارند.

ببوس ای خواهرم قبر برادر

شهادت، سنگ را بوسیدنی کرد

آنان که به رمز و راز این قضیه توجه ندارند، شیعه را بر این ابراز ارادت مورد انتقاد قرار می‌دهند، درحالی‌که شوق به محبوب است که هرچه را به آنها منسوب است، در نظر مُجِب، عزیز و دوست‌داشتنی می‌سازد.

۹. ادب نسبت به قبر مطهر

زائری که توفیق تشریف به حرم‌ها می‌یابد، باید خود را در حریم خانۀ امام یا امامزاده احساس کند و هر نوع ادب لازم را رعایت کند.

سید بن طاووس توصیه می‌کند که زائر، مثلاً در حرم حضرت رسول ﷺ در بدو ورود، دو رکعت نماز تحیت مسجد بخواند، سپس رو به طرف روضۀ نبوی و حجرۀ شریف پیامبر کند، سلام دهد، دست به آن بکشد و استلام کند، ببوسد...^۱ سپس می‌افزاید: دست‌ها را بر دیوار حجرۀ مطهر حضرت بگذارد و بگوید: «أَتَيْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُهَاجِرًا إِلَيْكَ...» و خود را مهاجری معرفی کند که به حضور پیامبر خدا سپرده و برای ادای این وظیفه به زیارت آمده و اگر در حال حیات توفیق دیدار نداشته، پس از وفات آمده و می‌داند که احترام آن حضرت در حال ممات، مثل حرمت او در حال حیات است و از آن حضرت بخواهد که نزد خدا شاهد این زیارت باشد، دست‌ها را به صورت خود بکشد و این زیارت را نوعی بیعت به حساب آورد و دعا کند که تا آخر عمر بر همین عهد و پیمان استوار بماند.^۲

سپس رو به قبر پیامبر زیارت بخواند (متن زیارت را نقل

۱. همان، ص ۱۶۱.

۲. همان، ص ۱۶۲.

کرده‌اند: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَرَسُولَهُ... . بعد از آن، رو به قبله دعا‌هایی بخواند که نقل شده، سپس سراغ منبر پیامبر برود، آن را لمس کند، تبرک بجوید و دست‌هایش را به صورت و چشمانش بکشد. این آداب، نشان دلدادگی و محبت است، زیارت هم قلمرو عشق و وادی دل است و زائر، این‌گونه جذبه درونی خود را ابراز می‌کند.

شهید ثانی می‌گوید: زائر در حال زیارت، رو به مَزور (زیارت‌شونده) بایستد، باحالت دعا تضرع کند، سمت راست و سپس سمت چپ صورت را بر قبر بگذارد، دعا کند و از خدا حاجت بطلبد و به صاحب قبر توسل جوید تا خدا حاجتش را برآورد و او را مشمول شفاعت گرداند و در دعا اصرار و مبالغه کند، آن‌گاه به طرف بالای سر برود و رو به قبله دعا بخواند.^۱

کیفیت ایستادن کنار قبر و نحوه زیارت، باید گویای ادب زائر باشد. در حالات حضرت رضا ع آمده است که وقتی می‌خواست از قبر حضرت رسول ص وداع کند، و برای اعمال عمره به مکه رود، کنار قبر پیامبر آمد، در طرف بالای سر ایستاد، مشغول نماز شد، سپس شانه چپ را به قبر چسباند و نزدیک یکی از ستون‌ها چند رکعت نماز خواند.^۲ شبیه این رفتار، در حدیثی از امام صادق ع نقل شده که چنین توصیه فرمود.^۳ علامه مجلسی ع در مورد برخی از این نقل‌ها می‌افزاید: گرچه پشت به پیامبر کردن هنگام دعا، به ظاهر نوعی خلاف ادب به شمار می‌رود، ولی وقتی توجه به خدا باشد و قصد زائر، پشت‌گرمی به حضرت رسول باشد، اشکالی ندارد.

۱. همان، ص ۱۳۴.

۲. همان، ص ۱۴۹.

۳. همان، ص ۱۵۰.

کنار قبر ایستادن و تکیه بر قبر کردن و دعای رو به قبله، از امام سجاد علیه السلام و سیره او هم نقل شده است.^۱

۱۰. پرهیز از حرف‌های بیهوده و کارهای لغو

ادب دیگر در تشریف به حرم‌های مطهر، پرهیز از هر کاری است که مغایر با «ادب حضور» است، از جمله کلمات لغو و حرف‌های بیهوده و حرکات سبک و ناپسند و دور از شأن زیارتگاه.

محدث قمی در مفاتیح الجنان (ادب بیست و یکم) می‌گوید:
 ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و اشتغال به صحبت‌های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم است و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است، خصوصاً در این بقاع مطهره....

هدف از زیارت، بهره‌وری از فیض‌های معنوی است، پرداختن به سخنان و کارهای لغو، مانع آن فیض‌ها می‌شود و چه بسا اوقات کسی در داخل حرم‌ها به چنین حرف‌ها و کارهایی سپری شود و از مائده معنوی گشوده در آن ضیافت‌خانه‌های آسمانی بی بهره بماند. به علاوه این‌گونه حرف‌ها و حرکات و رفتارها، توجه و حضور قلب زائران دیگر را هم برهم می‌زند و بیهوده‌گوی غافل، هم خودش محروم می‌ماند، هم مانع بهره‌وری روحی دیگران می‌شود..

صحبت‌های بلندبلند هم، علاوه بر این‌که خلاف ادب در محضر ولی خداست، برای دیگران هم مزاحمت و حواس‌پرتی می‌آورد. مستند این نکته، به گفته بعضی از علما، آیه شریفه
 ﴿وَلَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾^۲ است، یعنی صداهایتان

۱. همان، ص ۱۵۳.

۲. حجرات: آیه ۲.

را از صدای پیامبر بلندتر نکنید. رعایت این نکته یک ادب اجتماعی و معاشرتی است، حتی نه حرف‌های عادی، بلکه زیارت‌نامه را هم بلندبلندخواندن، به نحوی که تمرکز روحی و حضور قلبی دیگران را به هم بزند، مناسب نیست.

آنچه در این اماکن مطلوب است، آرامش و فضای آرام است تا برای پیدایش حضور قلب و روح عبادت و زیارت مؤثر باشد. سروصداهای بسیار با صلوات و زیارت بلندبلند، مَحَل این حالت است و رشته پیوند و اتصال زائران دیگر را از هم می‌گسلد.

۱۱. خواندن زیارت مأثور

تأکید بر آن است که در زیارت‌ها، بیشتر از متون زیارتی نقل شده از ائمه معصومین علیهم‌السلام استفاده شود که به آن‌گونه دعاها و زیارت‌های مستند «مأثور» گفته می‌شود. زیارت عاشورا، زیارت اربعین، زیارت جامعه کبیره، زیارت امین الله، زیارت حضرت معصومه علیها‌السلام و بسیاری از زیارت‌نامه‌ها از ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل شده است و کلام امام است. خواندن این‌ها بهتر از متون زیارتی دیگر است، مضامینی هم که در این‌گونه زیارت‌نامه‌هاست، متعالی‌تر است و از زبان اولیای الهی تراویده است.

امامان ما، هم‌چنان که کیفیت انجام زیارت را با همه جزئیات و آدابش بیان فرموده‌اند، متن‌های منقول از آنان هم فراوان است و محتوای آنها درخور توجه.

گاهی این آموزه‌ها بسیار کوتاه است، ولی رجحان آن به این است که از امام نقل شده است. مثلاً یونس بن ظبیان از حضرت صادق علیه‌السلام می‌پرسد: یا بن رسول الله! من بسیار به یاد حسین بن علی علیه‌السلام می‌افتم. در آن لحظه چه بگویم؟ فرمود: هنگام

یاد از او سه بار بگو: «صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»،^۱ که سلام تو از دور یا نزدیک به او می‌رسد.

در نقل دیگری امام صادق علیه السلام به سدید می‌آموزد که هرگاه خواستی سیدالشهدا علیه السلام را زیارت کنی، بالای بام خانهات برو و نگاهی به چپ و راست کن، آن‌گاه رو به قبر آن حضرت بکن و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» تا خداوند ثواب یک زیارت شایسته به تو عطا کند.^۲

این‌گونه توصیه‌ها و متن‌آموزی‌ها نسبت به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امامان دیگر هم نقل شده است.

۱۲. دعا و تلاوت و عبادت

نماز در برخی مکان‌ها فضیلت و ثواب بیشتری دارد، یکی هم در حرم‌های مطهر معصومین علیهم السلام.

غیر از اصل نماز خواندن که مطلوب است، خواندن نماز و اهدای آن به روح امام یا شخصیتی که مورد زیارت است، فضیلت دارد و به آن «نماز زیارت» گفته می‌شود، که دو رکعت، گاهی هم چهار رکعت یا شش رکعت (دو رکعت، دو رکعت) است، و اغلب توصیه شده پس از زیارت خوانده شود و بعد از آن نماز، حاجت‌ها از خدا طلبیده شود.

نماز زیارت، پس از زیارت عاشورا و پس از زیارت شهدای کربلا، پس از زیارت عاشورای غیرمعروفه و موارد دیگر نقل شده است. محدث قمی نقل می‌کند: «امام صادق علیه السلام به زیارت قبر جدش امیر المؤمنین علیه السلام رفت، پس از فراغت از زیارت، در بالای سر آن حضرت خطاب به امام حسین علیه السلام سلام داد و زیارت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۸۵.

۲. همان، ص ۲۸۶.

خواند، آن‌گاه دو رکعت نماز خواند و پس از فراغت از آن، دعایی خواند با این آغاز (یا الله یا الله یا الله، یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ ...).
به هر حال، خواندن نماز و دعا در حرم‌های مطهر و پس از زیارت‌نامه مطلوب است. در روایات متعددی آمده است که پس از زیارت و نماز، دست به دعا بردار و هرچه می‌خواهی از خداوند بطلب.

امام هادی علیه السلام فرمود:

مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيُزُقْ قَبْرَ جَدِّي الرِّضَا بِطُوسٍ وَهُوَ عَلَى غُسْلِ وَيُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رُكْعَتَيْنِ وَيُسْأَلُ اللَّهُ حَاجَتَهُ فِي قُتُوبِهِ، فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ مَا لَمْ يَسْأَلْ مَأْتِماً أَوْ قَطِيعَةً رَحِمٍ...^۱
هر کس به درگاه خدا حاجتی دارد، قبر جدم حضرت رضا علیه السلام را در طوس زیارت کند، درحالی‌که غسل کرده باشد، بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و در قنوت نمازش حاجتش را از خدا بخواهد، خداوند اجابت می‌کند، تا وقتی که خواسته‌اش گناه یا قطع رحم (نفرین به خویشاوندان) نباشد.

امام باقر علیه السلام هم درباره زیارت حضرت اباعبدالله

الحسین علیه السلام و دعا در حرم او می‌فرماید:

مَا مِنْ آتٍ أَتَاهُ يُصَلِّي عِنْدَهُ رُكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعاً ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ حَاجَتَهُ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ؛^۲ هیچ کس نیست که کنار قبر آن حضرت برود و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند و از خداوند حاجتش را بطلبد، مگر آنکه خداوند آن را برآورد.

دعا کنار قبور مطهر ائمه اطهار علیهم السلام، مقبولیت و ثواب

بیشتری دارد. نماز فریضه و مستحب هم در حرم‌ها فضیلت

۱. همان، ص ۴۴۷.

۲. همان، ص ۴۰۷.

بسیار دارد. امام باقر علیه السلام به شخصی فرمود: چه مانع دارد که هر وقت حاجتی داشتی نزد قبر حسین بن علی علیه السلام بروی و چهار رکعت نماز بخوانی و حاجت خود را از خدا بخواهی؟ سپس اضافه فرمود: نماز فریضه در کنار قبر او معادل است با حج، و نماز نافله معادل با عمره است، و ثواب‌های دیگر.

سید بن طاووس هم توصیه می‌کند اگر به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شدی، جد و جهد کن که از تو فوت نشود فریضه و نافله در حائر شریف حسینی که ثواب بسیار دارد.^۱ بسیاری از اهل دل و مجاوران اعتبار مقدسه، مقید بوده‌اند که هر سه وعده نماز خویش را در حرم‌های مطهر بخوانند. به خصوص در حرم سیدالشهدا علیه السلام، که هم نماز ثواب بیشتری دارد و هم دعا در زیر قُبَّة حرم آن شهید، مستجاب است.

محدث قمی می‌نویسد:

بدان که عمده اعمال در روضه مطهر امام حسین علیه السلام دعاست، زیرا اجابت دعا تحت آن قُبَّة سامیه، یکی از چیزهایی است که در عوض شهادت، حق تعالی به آن حضرت لطف فرموده و زائر باید آن را غنیمت دانسته، در تضرع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طی زیارات آن حضرت، ادعیه بسیاری با مضامین عالیه وارد شده است. بهتر آن است که از دعاهای صحیفه کامله آنچه تواند بخواند، که بهترین دعاهاست.^۲

متن دعاهایی که از ائمه علیهم السلام پس از زیارت نقل شده بسیار است. کافی است کتاب‌های دعا و زیارت را مطالعه کند، با این دعاهای گوناگون و ژرف و زیبا که توصیه شده پس از زیارت

۱. مفاتیح الجنان، آداب زیارت امام حسین علیه السلام.

۲. همان، ادب سیزدهم از آداب زیارت امام حسین علیه السلام.

پیامبر ﷺ، ائمهٔ بقیع ﷺ، امام حسین ﷺ، روز غدیر، زیارت امام رضا ﷺ و... خوانده شود، آشنا گردد.

تلاوت قرآن در حرم‌های مطهر نیز از جمله کارهای بافضیلت است. در زیارت حج نیز از بهترین اعمال در مسجدالحرام، تلاوت قرآن است. خواندن قرآن، هم برای بهره‌بردن خود انسان می‌تواند باشد، هم برای اهدای ثواب آن به روح پیامبر یا امام مورد زیارت، یا هدیه به ارواح مؤمنان و درگذشتگان. و چه خوب است تلاوت قرآن هم، همراه با تدبیر و تأمل باشد تا انس با کلام الهی در اماکن مقدس، تأثیر معنوی بیشتری داشته باشد.

رعایت این آداب و مستحبات، برای زائر حالت تنبّه و بیداردلی پدید می‌آورد و اگر هم آلوده به برخی لغزش‌هاست، زمینهٔ اصلاح و جبران و توبه و استغفار پدید می‌آورد. و چه عملی شایسته‌تر از توبه در کنار حرم‌های امامان ﷺ و تعهد بر پاک‌زیستن و رهایی از سلطهٔ شیطان و نفس اماره؟

۱۳. تکریم خادمان و کمک به فقیران

خادمان حرم‌ها، با سرمایهٔ عشق و محبت در آستان اهل بیت ﷺ خدمت می‌کنند و انتظار می‌رود که برخوردشان با زوار، براساس محبت و دلسوزی و راهنمایی باشد. زائران نیز باید جایگاه آنان را بشناسند و قدر بدانند و مورد تکریم قرار دهند.

شهید اول می‌نویسد:

سزاوار است خُدام حرم‌ها از اهل خیر و صلاح و متدین و صاحب مروت و تحمل و صبوری باشند، عصبانی نشوند، برخورد خشن نداشته باشند، حالت کمک‌رسانی، خدمت‌گزاری، تکریم زوار، ارشاد گمشده‌ها، کمک به

ضعیفان و برخورد محبت‌آمیز با واردین داشته باشند، اگر از کسی حرکت نامناسب و قصور و سهل‌انگاری دیدند، هشدار و تذکر دهند و موعظه کنند و اگر کار خلاف و گناه دیدند نهی از منکر کنند.^۱

در مقابل این خدمات و حُسن خلق، زائران نیز برخورد کرامت‌آمیز و همراه با احترام و ادب و همکاری با خدمت‌گزاران آستان اولیای خدا داشته باشند و مسؤولان، مأموران نظافت و شست‌وشو و انتظامات، پذیرایی‌کنندگان، نگهبانان کفشداری‌ها، امانت‌داران، راهنمایی‌کنندگان و خدام رسمی و افتخاری و هر کس که به نوعی افتخار خدمت دارد را مورد تکریم قرار دهند و از احسان و نیکی متناسب با شأن آنان دریغ نورزند.

از سوی دیگر، در اماکن زیارتی و شهرهای زیارتگاهی، نیازمندان آبرومندی هستند که چشم امیدشان به مساعدت زائران و خیرینی است که از سوی آنان به ایشان برسد. زائران، مستمندان را شناسایی و کمک‌رسانی کنند، با حفظ آبرو و حیثیت آنان، بدون آن‌که تحقیری نسبت به ایشان صورت بگیرد، به سادات فقیر و بینوایان غریب رسیدگی کنند.

چنین خرج‌ها و کمک‌هایی گاهی از روی عشق به صاحب مرقد و مزار انجام می‌گیرد و همان‌جا شوق یاری‌رسانی شکوفا می‌شود، گاهی هم بر اساس نذر قبلی، کمک‌های مالی می‌کنند. طبعاً این‌گونه نذرها و کمک‌ها، صرف تعمیر و بازسازی حرم‌ها و تأمین نیازها و برگزاری مراسم و اطعام‌ها و احسان‌هایی می‌شود که از سوی یک حرم برپا می‌شود. زائر، خوب است که در این‌گونه سفرهای زیارتی و کلاً هر مسافرتی دست و دل باز باشد و خیرش به دیگران برسد.

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۵، به نقل از دروس.

۱۴. زیارت وداع و خداحافظی

از آداب زیارت، وداع در آخرین روز یا آخرین لحظات است. برای زائری که ایامی در جوار یک مرقد مقدس به سربرده و بارها به زیارت مشرف شده است، دل‌کندن از شهر محبوب دشوار است.

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران

کز سنگ ناله خیزد، وقت وداع یاران

حس و حال زائر هنگام وداع، باید به‌گونه‌ای باشد که دستاوردهای نفیسی از این زیارت برداشته باشد و حال او بهتر از گذشته شده باشد و با انسی که به حرم و صاحب حرم پیدا کرده، وداع برایش مشکل باشد، ولی به هر حال خداحافظی هنگام برگشت، جزو آداب مسافرت و زیارت است و نشانه احترام به صاحب خانه و صاحب مرقد.

زائر وقتی زیارت خود را انجام داد و از نظر روحی اشباع شد، چه در مکه و مدینه باشد، چه در نجف و کربلا یا هر شهر زیارتی دیگر، خوب است که زود خداحافظی کند و برگردد، تا شوق و علاقه هم‌چنان در دل بماند و دل‌زدگی و خستگی ایجاد نشود. این همان گسستن برای پیوستن دوباره است.

من رشتهٔ محبت خود از تو می‌برم

شاید گره خورد به تو نزدیک‌تر شوم

امام صادق علیه السلام نسبت به زیارت خانهٔ خدا فرموده است:

إِذَا فَرَّغْتَ مِنْ نُسُكِكَ فَارْجِعْ، فَإِنَّهُ أَشَوْقُ لَكَ إِلَى الرَّجُوعِ؛^۱

وقتی از اعمال و عبادت‌هایت فارغ شدی، برگرد، تا شوق

دوباره آمدن را در تو بیشتر کند.

دو دوست قدر شناسند حق صحبت را

که مدتی بپریدند و باز پیوستند

۱. محمد محمدی ری‌شهری، الحج والعمرة في الكتاب والسنة، ص ۲۴۸.

ادب، اقتضا دارد که زائر پس از اتمام ایام زیارت، برای خداحافظی به حرم مشرف شود و ضمن سپاس، آرزوی خود را برای بازگشت دوباره اعلام کند و از خدا بخواهد. هم در سفر حج مستحب است که «طواف وداع» انجام دهد، هم در زیارت حرم پیامبر ﷺ و ائمه بقیع علیهم السلام، زیارت وداع مستحب است، هم در حرم‌های دیگر. آداب خاصی برای طواف وداع نقل شده است و در سیره معصومین علیهم السلام هم نمونه‌هایی از عمل آنان آورده شده است. در وداع حضرت صادق، حضرت کاظم، حضرت هادی علیهم السلام نمونه‌هایی از حالت خاشعانه هنگام وداع و سر به سجده گذاشتن و سجده‌های طولانی و نماز و دعای ویژه نقل شده است.^۱

از خواسته‌های زائر هنگام وداع، این است که آخرین زیارت نباشد و دوباره برگردد. مثلاً در زیارت وداع قبر حضرت رسول ﷺ و ائمه دیگر آمده است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ...» یا «اسْتَدْعِكَ اللَّهُ»، یا «لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ» یا «لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ وَإِتْيَانِ مَشَاهِدِكُمْ»، یا «رَزَقَنِي الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ مَا أَبْقَانِي رَبِّي» و... که همه حاکی از این درخواست است که آخرین نوبت زیارت نباشد، باز هم قسمت شود، آخرین سلام نباشد، برگشت همراه با سلامتی و بهره و فضل و کامیابی و رضامندی باشد.^۲

زائری که با چشم اشکبار و قلبی لرزان، از جوار حرم محبوبان خود به شهر و وطن خویش برمی‌گردد، تن خود را باز می‌گرداند، ولی دلش آن جا جامی ماند، تا بار دیگر توفیق تشرف

۱. همان، ص ۲۶۵.

۲. رک: مفاتیح الجنان، اواخر مفاتیح، زیارت وداع نیز در وداع ائمه

بقیع علیهم السلام، وداع حضرت رسول ﷺ.

حاصل شود. «من رفتم و هوای تو از دل نمی‌رود».
دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است
هرکه ما را این نصیحت می‌کند بی‌حاصل است
من قدم بیرون نمی‌یارم نهاد از کوی دوست
دوستان معذور داریم که پایم در گِل است
گر به صد منزل فراق افتد میان ما و دوست
هم‌چنانش در میان جان شیرین منزل است^۱
امید است آشنایی با ادب و آداب زیارت، چه ظاهری و
چه باطنی، چه قلبی و چه قالبی، ما را در بهره‌وری بیشتر از
چشمه‌سار زلال زیارت موفق‌تر و کامیاب‌تر سازد.

اربعین ، خط خون (شعر)

بسوز ای دل که امروز اربعین است
عزای پور ختم المرسلین است
مرام شیعه در خون ریشه دارد
نگهبانی ز خط خون چنین است
به یاد کربلا دل ها غمین است
دلا خون گریه کن چون اربعین است
حسین بن علی سالار دین است
امام و رهبر اهل یقین است
حسین است آن که با حق همنشین است
خدا را عاشق و دین را امین است
حسین است آن که در خط شهادت
امام اولین و آخرین است
اگر در کربلا غم بی شمار است
اگر دل های شیعه داغدار است
اگر چشمان مهدی اشکبار است
ز داغ آن وداع آخرین است
پیام خون خطاب آتشین است
بقای دین، رهین اربعین است
که تاریخ پر از خون و شهادت
سراسر اربعین در اربعین است

دیار شام با غم‌ها قرین است
قلوب شیعیان زان غم حزین است
مزار زینب و قبر رقیه
تجلی‌گاه عشق عارفین است
شهادت چون حیات جاودانی است
میان مرگ‌ها زیباترین است
جهاد حضرت سجاد و زینب
بیان خطبه‌های آتشین است
اگر جمع شهیدان حلقه باشند
حسین بن علی آن را نگین است
